

استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه

علی اکبر بابائی*

چکیده

آیه تطهیر یکی از ادله شیعه بر عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ است و از جهات مختلفی درباره آن بحث شده است. یکی از جنبه هایی که کمتر به آن پرداخته شده، استقلال نزول آیه و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه است. در این مقاله پس از تبیین اینکه پیوستگی در نزول، شرط تحقق سیاق معتبر است، استقلال نزول آیه با شواهد درونی و ادله بیرونی اثبات می شود و آثار آن در معنای لام در «لیذهب»، متعلق و مفعول «یرید»، تکوینی بودن اراده و دلالت آیه بر عصمت اهل بیت و تعیین معنا و مصادیق اهل بیت در این آیه، تبیین و با روایات تأیید خواهد شد.

واژگان کلیدی

آیه تطهیر، استقلال نزول، اهل بیت، عصمت اهل بیت، سیاق.

ali.babaei33@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

*. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۱

طرح مسئله

شیعه با استناد به دلیل‌های قرآنی و روایی به عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ معتقد است. یکی از دلیل‌ها آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) است که دلالت آن بر عصمت اهل بیت به صورت‌های مختلفی تبیین شده است.

در این تبیین‌ها بیشتر بر حصر مفاد آیه در اهل بیت به وسیله کلمه «انما» یا اختصاص حاصل از کلمه «اهل‌البیت» و تکوینی بودن اراده تکیه شده است. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۴۰؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸ - ۷ / ۵۶۰) برخی روایات نیز مفاد این آیه را درباره پنج نفر (پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ) بیان کرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۶ / ۴۳ - ۴۱) در مقابل، اهل تسنن با تکیه بر سیاق، خطاب این آیه را شامل همسران پیامبر و متعلق «یرید» را تکلیف‌های متوجه به آنان در آیات پیشین دانسته و براساس آن، اراده را تشریحی تصور کرده‌اند. آنها حصر «انما» را نیز برای اختصاص تکالیف همسران پیامبر پنداشته و در تفسیر آیه گفته‌اند: خدا با تشریح این تکالیف، نفع شما را می‌خواهد، نه نفع خودش را، یعنی می‌خواهد با رعایت این تکالیف شما را از پلیدی دور کند و به طهارت و پاکی آراسته گرداند. (رازی، بی تا الف: ۱۳ / ۳۰۹؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۲۲ / ۱۲) همچنین آنها روایات را نیز دال بر حصر ندانسته‌اند. (همان: ۱۷)

بنابراین اگر به استقلال نزول این آیه و آثار آن توجه نشود و آیه در سیاق آیات قبل و بعد ملاحظه شود، چه بسا استدلال به آن برای عصمت دچار چالش شود؛ زیرا این دلالت متوقف بر تکوینی بودن اراده و آن نیز متوقف بر این است که متعلق «یرید»، اذهاب رجس و تطهیر باشد. اگر این آیه در سیاق آیات قبل و بعد ملاحظه شود، زمینه برای این احتمال که متعلق «یرید» تکالیف همسران پیامبر در آیات قبل باشد، بروز می‌کند؛ به‌ویژه این احتمال با ظهور لام «لیذهب» در تعلیل نیز سازگارتر است و بنابراین احتمال اراده تشریحی و در نتیجه دلالت آیه بر عصمت منتفی است؛ ولی با توجه به استقلال نزول آیه، احتمال اینکه متعلق «یرید» تکالیف بیان‌شده در آیات پیشین باشد، منتفی است و ظهور آیه در تعلق «یرید» به اذهاب رجس و تطهیر خواهد بود. در این صورت، تکوینی بودن اراده و دلالت آیه بر عصمت

اهل بیت آشکار می‌شود و اهل بیت در آیه به قرینهٔ مناسبت حکم و موضوع به معصومین از اهل بیت پیامبر اختصاص پیدا می‌کند و شمول آن بر همسران پیامبر منتفی می‌شود. با توجه به این مقدمه، اثبات استقلال نزول این آیه و بیان تأثیر آن در ظهور و معنای آیه در روشن شدن دلالت آن بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده دارد. از این رو برای آشکار شدن دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت و نادرستی تفسیرهای مفسران اهل تسنن و از بین رفتن زمینهٔ اشکال‌های آنان بر استدلال شیعه به این آیه، محتوای مقاله در سه محور زیر بیان می‌شود:

۱. پیوستگی در صدور، شرط تحقق سیاق معتبر؛

۲. استقلال نزول آیه تطهیر؛

۳. آثار استقلال نزول آیه در ظهور و معنای آن.

الف) پیوستگی در صدور، شرط تحقق سیاق معتبر

یکی از قرائن مؤثر در ظهور و معنای کلام، «سیاق» آن است که هم عرف و عقلا در فهم معنای عبارتها به آن توجه می‌کنند و هم دانشمندان اصول فقه، فقه، تفسیر و ... در فهم قرآن و روایات به آن ترتیب اثر می‌دهند.^۱ سیاق هر کلامی، مجموعه جمله‌های قبل یا بعد آن کلام است. به عبارت دقیق‌تر سیاق، ساختاری برای کلام است که بر اثر همراه بودن آن با جمله‌های دیگر پدید می‌آید و در ظهور آن اثر می‌گذارد؛ برای نمونه، جمله «إِذْهَبْ إِلَى الْبَحْرِ» هنگامی که در کنار جمله «وَأَسْتَفِدْ مِنْ عِلْمِهِ يَا أَيُّهَا الْمَوْلَى» گفته شود، ساختاری دارد که معنای آن چنین می‌شود: «نزد مرد دانشمند برو»؛ ولی وقتی به تنهایی گفته شود، فاقد آن ساختار است و ظهور در این دارد که به سوی دریا برو. حال آیا سیاق مؤثر در ظهور و معنای کلام، تنها سیاقی است که در وقت صدور کلام از گوینده وجود داشته باشد و در عبارتهای قبل و بعد او باشد

۱. برای اطلاع از آرای برخی از دانشمندان اصول فقه و مفسران بنگرید به: قمی، بی‌تا: ۸۴؛ رازی، بی‌تا: ۳ / ۳۴۲؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۸۹؛ عراقی، ۱۴۰۵: ۳ / ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۶ - ۲۱۴؛ حائری، بی‌تا: ۲ / ۴۴۱ - ۴۴۰؛ اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۶، ۲۱۸، ۲۶۶؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۸۰؛ خوبی، ۱۳۶۹: ۲ / ۱۷۱، ۳۰۵؛ واعظ حسینی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۵۹؛ طباطبایی، بی‌تا: ۱۷ / ۹، ۱۸ / ۳۵؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۱۵ / ۱۷۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۱، ۳۴، ۳۹؛ شریف رضی، بی‌تا، ۶۶.

یا شامل سیاقی می‌شود که پس از صدور کلام از گوینده و بر اثر چینش آن در کنار کلام‌های دیگر او پدید می‌آید؟ آیا عقلا و دانشمندان به چنین سیاقی نیز ترتیب اثر می‌دهند؟ برای پی بردن به پاسخ باید دید ملاک قرینه بودن سیاق چیست و چرا سیاق در ظاهر کلام گوینده تأثیر دارد و عرف و عقلا با توجه به سیاق، ظاهر کلام گوینده را به دست می‌آورند. ملاک قرینه بودن و اعتبار سیاق این است که معقول نیست گوینده عاقل و دانا از کلمات و جمله‌هایی که در بیان موضوعی به کار می‌برد، معانی نامتناسب و بدون ارتباط با یکدیگر اراده کند. این موجب می‌شود هر کلمه و جمله‌ای در معنای مناسب و مرتبط با معنای کلمات و جمله‌های دیگر ظهور پیدا کند.

البته این ملاک در خصوص سیاقی است که هنگام صدور کلام وجود داشته باشد؛ ولی اگر چند جمله به صورت جداگانه در مجالس گوناگون از گوینده دانا صادر شود، گرچه اراده معانی متضاد و متناقض از آن جمله‌ها معقول نیست، اراده معانی بی‌ارتباط و نامتناسب با هم نیز محذوری ندارد و ممکن است از یکی از آن جمله‌ها معنایی اراده شود که با معنای جمله‌های دیگر هیچ ارتباطی نداشته باشد. پس اگر آنها را در کنار هم قرار دهند، سیاقی که از آن به نظر می‌آید در ظهور جمله‌ها تأثیری ندارد؛ زیرا ملاک قرینه بودن سیاق در آن وجود ندارد. از این بیان نتیجه می‌گیریم شرط تحقق سیاق معتبر و مؤثر در ظهور کلام، پیوستگی در صدور جمله‌ها از گوینده است. (ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۱۹) عقلا نیز در تفسیر جمله‌هایی که به صورت پراکنده از گوینده‌ای صادر شده و پس از آن در کنار هم تنظیم شده باشد، به سیاق آنها ترتیب اثر نمی‌دهند و ظهور هر جمله‌ای را با قطع نظر از قرار گرفتن آن در کنار جمله‌های دیگر به دست می‌آورند.

ب) استقلال نزول آیه تطهیر

استقلال نزول این آیه را از دو طریق می‌توان بررسی کرد: یکی از راه ملاحظه تفاوت لحن کلام، نوع بیان و کلمات به کاررفته در این آیه و آیات قبل و بعد؛ دوم از طریق روایاتی که چگونگی نزول این آیه را بیان می‌کنند و از این رو می‌توان شواهد و ادله آن را در دو عنوان شواهد درونی و ادله بیرونی بیان کرد.

۱. شواهد درونی

مخاطب در صدر این آیه و پنج آیه قبل و یک آیه بعد از آن، زنان پیامبر ﷺ هستند و از این رو در همه آن آیات ضمیر جمع مؤنث به کار رفته و تنها در این آیه از ضمیر جمع مذکر استفاده شده است. آهنگ آیه‌های قبل و بعد نیز تهدید، تشویق، تکلیف و توجه دادن به مسئولیت است؛ در آیه‌های ۲۸ و ۲۹ خدا به پیامبرش دستور می‌دهد «به همسران خود بگو: اگر زندگانی دنیا و زینت آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را از متاعی بهره‌مند نمایم و با طلاق نیکو رهایتان سازم و اگر خواهان خدا و رسول و سرای آخرت هستید، پس خدا برای نیکوکاران شما اجر بزرگی مهیا نموده است».

در آیه بعد، خدا آنان را تهدید می‌کند که اگر کار زشتی مرتکب شوند، عذاب آنها دوچندان خواهد بود و در آیه بعدی نیز در مقام ترغیب می‌فرماید: «هرکس از شما خدا و رسول خدا را اطاعت کند و عمل صالح انجام دهد، اجر او را دو برابر می‌دهیم و رزقی بالارزش و قرین کرامت برای او مهیا کرده‌ایم». در آیه ۳۲ و صدر آیه ۳۳ آنان را به مسئولیت و موقعیت خاص ایشان توجه می‌دهد و از نرمی در سخن گفتن که موجب طمع بیمار دلان می‌شود، نهی می‌کند، به سخن خوب گفتن و قرار گرفتن در خانه‌هایشان فرمان می‌دهد، از تبرج و زینت‌نمایی باز می‌دارد و به اقامه نماز، ادای زکات و اطاعت از خدا و رسول او فرمان می‌دهد؛ همچنین در آیه بعد، آنها را به یادآوری آیات خدا و حکمت فرمان می‌دهد؛ ولی لحن این قسمت از آیه، تکریم و تشریف است. در برخی روایات، حضرت علی علیه السلام این آیه را یکی از فضائل خود بشمار آورده است. برای نمونه، ابن مغزلی ضمن روایت مفصلی در بیان مناشده حضرت علی علیه السلام در روز شورا چنین آورده است:

قال فأنشدكم بالله هل فيكم أحد أنزل الله فيه آية التطهير حيث يقول: «إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً» غيري؟ قالوا: اللهم لا». (ابن مغزلی، ۱۴۰۳: ۱۱۸)

[حضرت علی علیه السلام به اصحاب شورا طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و عثمان] فرمود شما را به خدا سوگند آیا در میان شما کسی جز من هست که خدا آیه تطهیر را که می‌فرماید: «خدا همواره می‌خواهد فقط از شما

اهل بیت پلیدی را دور گرداند و شما را پاکیزه سازد، پاکیزه ساختنی» درباره اش نازل کرده باشد؟ [همگی] گفتند: نه به خدا.

از امام حسن علیه السلام و امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است که به این آیه برای بیان فضائل خود استناد کرده اند. (ر.ک: حاکم نیشابوری، بی تا: ۳ / ۱۷۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۹۵؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۸؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۲۴: ۹ / ۳۱۳۲) طبق این روایات، فضیلت و تکریم و تشریف بودن این آیه برای همگان در عصر امامان معصوم روشن بوده است و امامان بزرگوار به عنوان یکی از فضائل خود به آن استناد می کرده اند. اهل دقت از همین اختلاف ضمیر و تفاوت لحن درمی یابند که مخاطبان این جمله، غیر از مخاطبان جمله های قبل و بعد آن است؛ آنها افراد برجسته ای هستند که در این جمله مورد تکریم و تشریف باری تعالی قرار گرفته اند. همچنین در آیه های قبل و بعد، از خانه همسران پیامبر با لفظ «بیت» که جمع «بیت» است به همراه ضمیر «کن» یاد شده است؛ ولی در این جمله «البیت» به صورت مفرد و بدون اضافه به زنان پیامبر آمده است و این خود نشانه دیگری بر این است که مخاطبان این جمله غیر از مخاطبان جمله های قبل و بعد و منظور از «البیت» در این آیه، غیر از خانه های همسران آن حضرت است.

۲. ادله بیرونی

روایات بسیاری در کتاب های اهل تسنن و شیعه در شأن نزول این آیه نقل شده است که جملگی بر استقلال نزول آن دلالت دارند:

- سیوطی از چند نفر از بزرگان صاحب تألیف اهل تسنن مانند ابن جریر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه نقل کرده که آنان از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده اند که:

همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه من در بستر خویش بودند و کسائی خیبری بر روی آن حضرت بود. پس فاطمه علیها السلام با ظرف غذایی وارد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شوهر و پسرانت حسن و حسین را دعوت کن سپس آنها در حالی که (آن غذا را) می خوردند، آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» بر پیامبر خدا نازل شد. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۷۶)

- از ابوسعید خدری نیز نقل شده که او نزول این آیه درباره پنج نفر (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) را از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده و در آن روایت نیز به آیات قبل و بعد و پیوستگی در نزول آن آیات با این آیه هیچ اشاره‌ای نشده است. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۹۶، ح ۲۸۴۸۷)

- ابوسعید از ام سلمه نقل کرده که او از نزول این آیه در خانه‌اش خبر داده و در آن روایت نیز به آیات قبل و بعد اشاره نشده است. (همان: ۲۹۷، ح ۲۸۴۹۷)

- خبر نزول این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بدون اشاره به آیات قبل و بعد، از عمر بن ابی سلمه نیز روایت شده است. (همان: ۲۹۸، ح ۲۸۴۹۹)

این روایات بسیار زیاد است و علاوه بر علمای شیعه، شمار زیادی از محدثان و مفسران اهل تسنن، مانند طبری در *جامع البیان* (۱۰ / ۲۹۶)، طبرانی در *المعجم الکبیر* (۳ / ۵۶؛ ۲۳ / ۳۲۷)، *المعجم الأوسط* (۳ / ۳۸۰) و *المعجم الصغیر* (۱ / ۱۳۵)، ابن ابی شیبۀ در *المصنف* (۷ / ۵۲۷)، ابن عساکر در *تاریخ مدینه دمشق* (۱۳ / ۲۰۵ و ۲۰۶، ۱۴ / ۱۴۳ و ۱۴۷)، ابن ابی حاتم رازی در *تفسیر القرآن العظیم* (۹ / ۳۱۳۲)، ابن کثیر در *تفسیر القرآن العظیم* (۳ / ۴۹۳ - ۴۹۴)، ابن جزی در *التسهیل* (۲ / ۱۳۷)، سیوطی در *الدر المنثور* (۶ / ۶۰۴)، واحدی نیشابوری در *اسباب النزول* (۲۳۹)، حاکم نیشابوری در *المستدرک* (۳ / ۱۴۶)، حاکم حسکانی در *شواهد التنزیل* (۲ / ۴۱، ۴۳ - ۴۴؛ ۶۶۲؛ ۴۳ - ۴۴؛ ۵۱؛ ح ۱۲۳ - ۱۲۲؛ ۱۳۵، ح ۷۶۷؛ ۱۳۶، ح ۷۶۹)، هیشمی در *مجمع الزوائد* (۹ / ۶۷)، ابن مغزالی در *مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام* (۳۰۱، ح ۳۴۵؛ ۳۰۴، ح ۳۴۹)، طحاوی در *مشکل الآثار* (۱ / ۳۳۲)، ابن حجر هیثمی در *الصواعق المحرقة* (۱۴۳)، جوینی در *فرائد السمطین* (۱ / ۳۱۸ - ۳۱۲) این روایات را نقل کرده‌اند.

وجود بی‌شمار این روایات، قطع به صدور آنها را به ارمغان می‌آورد و به بررسی سند آنها نیازی نمی‌باشد. همچنین روایات صحیح در نظر دانشمندان اهل سنت نیز در میان آنها وجود دارد که یکی از آنها روایت حاکم نیشابوری با سندی است که آن را صحیح دانسته و ذهبی، رجال‌شناس معروف اهل سنت نیز صحت آن را تأیید کرده است. (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۳ / ۱۴۶)

بنابراین تردیدی نیست که این آیه جدای از آیات قبل و بعد نازل شده است. پس طبق قاعده‌ای که در مقدمه بیان شد، برای فهم معنای آن باید به‌تنهایی و بدون توجه به سیاق ملاحظه شود تا ظهور آن به‌دست آید.

ج) آثار استقلال نزول آیه در ظهور و معنای آن

توجه به استقلال نزول آیه از جهاتی در تفسیر و ظهور آن تأثیر دارد:

۱. لام «لیذهب» و مفعول «یرید»

مفسران در تعیین معنای لام «لیذهب» در آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...» اختلاف پیدا کرده‌اند؛ برخی آن را لام تعلیل و مفعول «یرید» را محذوف دانسته‌اند؛ برخی فعل «یرید» را به تأویل مصدر برده‌اند و آن را قائم‌مقام «ارادة الله» و مبتدا دانسته و «لیذهب عنکم الرجس» را خبر آن قرار داده‌اند. برخی دیگر معتقدند لام زائد است و «یذهب الرجس» با تقدیر «أن» به معنای «إذهاب الرجس» و مفعول «یرید» است. (الوسی، ۱۴۰۵: ۲۲ / ۱۲) در موارد دیگری از قرآن کریم که به دنبال فعل «یرید» بدون ذکر مفعول، فعل مضارع همراه با «لام» آمده است، همین اختلاف دیده می‌شود که در برخی از آنها علاوه بر اقوال یادشده، آرای دیگری را ذکر کرده‌اند؛ از جمله اینکه «لام» به معنای «أن» باشد و فعل مضارع بعد از آن به مصدر تأویل شده، مفعول «یرید» باشد. این قول را طبرسی درباره آیه «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ» (نساء / ۲۶) نقل کرده (۱۴۱۵: ۳ / ۶۵) و در تفسیر آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا» (توبه / ۵۵) نیز به‌عنوان احتمال آورده است. (همان: ۵ / ۶۹)

از کلام زمخشری و فخر رازی در تفسیر این آیه نیز استفاده می‌شود که «لام» را برای تعلیل و مفعول «یرید» را محذوف و آن را امر و نهی‌ها، موعظه‌ها و تکلیف‌هایی دانسته‌اند که در آیات پیشین برای همسران پیامبر بیان شده است.^۱

۱. زمخشری گفته است: «تَمَّ بَيْنَ أَنَّهُ إِنَّمَا نَهَاكَ وَأَمْرَهُنَّ وَوَعظَهُنَّ لئلا يقارف اهل بيت رسول الله (صلي الله عليه و سلم) لما تَمَّ وليتصونوا عنها بالتقوي». (۱۴۰۷: ۳ / ۵۳۸) فخر رازی نیز گفته است: «يعني ليس المنتفع بتكليفكن هو الله ولا تنتفعن الله في ما تأتين به وإنما نفعه لکن وأمره تعالي إياكن لمصلحتكن». (بی تا الف: ۱۳ / ۲۰۹)

با توجه به استقلال نزول آیه، بطلان این تفسیر روشن است. اگر این آیه همراه با آیات قبل و بعد نازل شده بود، برای این تفسیر وجهی وجود داشت؛ ولی در صورتی که این آیه به تنهایی نازل شده باشد، حتی احتمال این تفسیر نیز منتفی است؛ زیرا فرض آن با فصاحت و رسایی قرآن کریم سازگاری ندارد. حذف مفعول و تقدیر گرفتن آن در صورتی صحیح و با فصاحت سازگار است که از قرائن معلوم باشد؛ ولی در این آیه بر فرض استقلال نزول، هیچ قرینه‌ای برای تعیین مفعول آن وجود ندارد. پس این قول در تفسیر آیه غیر قابل قبول است و باید قولی را برگزید که مستلزم حذف مفعول و مقدر بودن آن نباشد.

با توجه به اینکه تأویل «یرید الله» به «ارادة الله» بدون هیچ حرف مصدری و تأویل‌برنده در ادبیات عرب معمول نیست، باید یکی از دو قول دیگر (زاید بودن «لام» و تقدیر «أن» یا به معنای «أن» بودن «لام») را اختیار کرد که بنا بر هر دو قول «یذهب الرجس» به «اذهاب الرجس» تأویل برده می‌شود و مفعول «یرید» قرار می‌گیرد. همچنین فعل «یطهرکم» نیز که عطف به آن است، به «تطهیرکم» تأویل می‌شود و آن نیز متعلق «یرید» و مراد خدای متعال می‌باشد. اگر این آیه به تنهایی ملاحظه شود، در همین وجه ظهور دارد و متبادر به ذهن این است که مفعول و متعلق «یرید»، «لیذهب الرجس» و «یطهرکم» است و اینکه مفعول و متعلق آن تکالیف همسران پیامبر یا غیر آن باشد، امری دور از ذهن و قواعد لفظی است.

۲. تکوینی یا تشریحی بودن اراده

یکی از مباحث مهم در تفسیر این آیه آن است که اراده ذکر شده در آن تکوینی است یا تشریحی؟ به تعبیر دیگر، آیا اراده در این آیه به معنای خواست حتمی خداوند است که تخلف مراد از اراده ممکن نباشد یا به معنای خواستن خدا از انسان به صورت حکم شرعی است که در نتیجه تحقق مراد خدا حتمی نبوده، تخلف مراد از اراده ممکن باشد؟ زیرا چه بسا انسان عصیان کند و آنچه را خدا خواسته است، انجام ندهد.

اگر اراده تکوینی باشد، این آیه بر عصمت اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام دلالت می‌کند؛ زیرا خدا دور کردن آنان از رجس را اراده کرده است و چیزی را که خدا اراده کند، تحقق آن قطعی است: «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (حج / ۱۴) و «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (یس / ۸۲)

اگر اراده تشریحی باشد، آیه بر عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ دلالت ندارد؛ زیرا تحقق مراد در اراده تشریحی حتمی نیست. ممکن است خدا انجام کار یا تحقق وصفی را به صورت حکم شرعی از انسان بخواهد و در اثر عصیان انسان محقق نشود. شیعه براساس ادله و شواهدی، اراده در این آیه را تکوینی دانسته، این آیه را یکی از دلائل عصمت اهل بیت بشمار می‌آورد؛ ولی اهل سنت اراده را تشریحی تصور کرده، دلالت آیه را بر عصمت اهل بیت نمی‌پذیرند. استقلال نزول آیه ایجاب می‌کند برای پی بردن به ظهور آیه و فهم معنای آن، آیه به تنهایی ملاحظه شود. با توجه به اینکه فاعل «یذهب» و «یطهر» ضمیری است که به «الله» برمی‌گردد و در نتیجه اذهاب رجس و تطهیر، کار خود خدای متعال است، اراده در این آیه تکوینی خواهد بود؛ زیرا تعلق اراده به کار خود اراده‌کننده از ویژگی‌های اراده تکوینی است و معقول نیست که خدای متعال کار خود را به صورت حکم شرعی از انسان بخواهد. گذشته از اینکه اراده تشریحی، مطلوب‌عنه (کسی که کار از او طلب می‌شود) می‌خواهد که در آیه ذکر نشده است و با فرض استقلال نزول آیه جایی برای تقدیر گرفتن آن نیست؛ چون قرینه‌ای که بر آن دلالت کند، وجود ندارد. پس با توجه به استقلال نزول آیه، تکوینی بودن اراده و دلالت آن بر عصمت اهل بیت ﷺ قطعی است و احتمال تشریحی بودن اراده و دلالت نداشتن آیه بر عصمت تصور ندارد.

در روایاتی از منابع شیعه و سنی، پاکی پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت از گناهان و مطلق بدی، از این آیه استفاده شده و این آیه دلیل پاکی مطلق آنان قرار گرفته است. این روایات نیز مؤکد تکوینی بودن اراده و دلالت آیه بر عصمت اهل بیت ﷺ و شاهد صحت مدعای شیعه است.

- سیوطی از برخی دانشمندان صاحب تألیف اهل سنت، مانند حکیم ترمذی، طبرانی، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی و بیهقی چنین گزارش می‌کند که ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

إن الله قسم الخلق قسمين فجعلني في خيرهما قسماً... ثم جعل القسمين ثلاثاً فجعلني في خيرها ثلاثاً... ثم جعل الأتلات قبائل فجعلني في خيرها قبيلة... ثم

جعل القبائل بيوتاً فجعلني في خيرها بيتاً فذالك قوله تعالى: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» فَأَنَا وَ أَهْلَ بَيْتِي مَطْهُرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ.
(سيوطی، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۷۸)

بهراستی خدا آفریدگان را به دو قسم تقسیم کرد و مرا در بهترین آن دو قسم قرار داد ... سپس آن دو قسم را سه دسته کرد و مرا در بهترین آن سه دسته قرار داد ... سپس آن سه دسته را قبیله‌هایی قرار داد و مرا در بهترین آن قبیله‌ها قرار داد ... سپس آن قبیله‌ها را خانه‌هایی قرار داد و مرا در بهترین آن خانه‌ها قرار داد و آن سخن خدای متعال «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» است. پس من و اهل‌بیتم از همه^۱ گناهان پاک هستیم.

ابن جریر، یکی از مفسران معروف و مورد اعتماد اهل تسنن از قتاده، یکی از مفسران نزدیک به عصر نزول قرآن روایت کرده که در تفسیر این آیه گفته است:

فهم اهل بیت طهرهم الله من السوء وخصصهم برحمته. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۹۶،
ح ۲۸۴۸۵)^۲

پس آنان خانواده‌ای هستند که خدا آنان را از مطلق^۳ بدی پاک قرار داده و آنان را به رحمت خود تخصیص داده است.

- شیخ صدوق^{رحمته‌الله} در ضمن روایت مجلس مأمون در مرو و پرسش‌های مأمون از امام رضا^{علیه‌السلام} و پاسخ‌های آن حضرت به وی چنین آورده است:

فقال المأمون: من العترة الطاهرة؟ فقال الرضا^{عليه‌السلام}: الذين وصفهم الله في كتابه فقال عزوجل: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ...
(۱۴۱۷: ۶۱۶، ح ۱؛ بی تا ب: ۲ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۲۲۱ - ۲۲۰)

۱. ذکر کلمه «همه» در ترجمه بر این اساس است که جمع دارای الف و لام بر عموم دلالت می‌کند و «الذنوب» در روایت فوق جمع دارای الف و لام است.

۲. در تفسیر ابن ابی‌حاتم نیز این روایت با اندک تفاوتی در لفظ آمده است. (بنگرید به: ابن ابی‌حاتم، ۱۴۲۴: ۹ / ۳۱۳۳، ح ۱۷۶۸۰) سیوطی نیز این حدیث را از ابن جریر و ابن ابی‌حاتم نقل کرده است. (بنگرید به: سیوطی، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۷۸)

۳. از آنجاکه کلمه «السوء» مطلق و الف و لام آن جنس است، به مطلق بدی ترجمه شده است.

در این روایت، دلالت آیه بر طهارت و پاکی اهل بیت، مورد تأیید امام رضا علیه السلام قرار گرفته است.

- از احتجاج حضرت علی علیه السلام با ابوبکر درباره فدک که در تفسیر القمی با سند صحیح نقل شده است^۱، نیز برمی آید که دلالت این آیه بر طهارت اهل بیت از هر گناه در نزد صحابه روشن و غیر قابل انکار بوده است. در آن احتجاج آمده است:

امیرالمؤمنین علیه السلام به ابوبکر گفت: کتاب خدا را قرائت می کنی؟ ابوبکر گفت: آری. فرمود: به من خبر بده که قول خدای عزوجل «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» درباره چه کسانی نازل شده است؟ درباره ما یا درباره غیر ما؟ گفت: درباره شما. فرمود: پس اگر شاهدانی شهادت دهند که فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله کار زشتی را مرتکب شده است، چه می کنی؟ گفت: بر او مانند سایر زنان مسلمان حد جاری می کنم. فرمود: در این صورت در نزد خدا از کافران خواهی بود. گفت: چرا؟ فرمود: برای اینکه شهادت خدا را بر طهارت او رد کرده ای و شهادت مردم را بر ضد او پذیرفته ای! (قمی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۵۶ - ۱۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۵۷ - ۱۵۶)

ابوبکر این معنا را انکار نکرده و در ادامه حدیث آمده است که مردم حاضر در آن مجلس گفتند: به خدا سوگند علی بن ابی طالب راست می گوید.^۲ پس نه فقط حضرت علی علیه السلام این آیه را دلیل طهارت اهل بیت می دانسته است، بلکه دلالت آیه بر این معنا برای مردم آن عصر آشکار و غیر قابل انکار بوده است.

۱. راویان سند، علی بن ابراهیم، پدر علی بن ابراهیم (ابراهیم بن هاشم)، ابن ابی عمیر، عثمان بن عیسی و حماد بن عثمان هستند که همه آنها ثقة اند. (بنگرید به: خوبی، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۱۸ - ۳۱۶، رقم ۳۳۲ (ابراهیم بن هاشم)، ۶ / ۲۱۲، رقم ۳۹۵۶ (حماد بن عثمان)، ۱۱ / ۱۲۰، رقم ۷۶۱ (عثمان بن عیسی)، ۱۹۳، رقم ۷۸۱۶ (علی بن ابراهیم)، ۱۴ / ۲۸۱ - ۲۷۹، رقم ۱۰۰۱۸ (محمد بن ابی عمیر) البته در وثاقت عثمان بن عیسی و روایت شنیدن وی از امام صادق علیه السلام جای تأمل است؛ ولی چون در سند روایت، حماد بن عیسی به عثمان بن عیسی عطف شده است، این تأمل در صحت و اعتبار سند روایت اشکالی ایجاد نمی کند. این روایت را صدوق نیز آورده است. (۱۳۸۵: ۱ / ۱۹۱)

۲. عبارت حدیث چنین است: «قدمم الناس وبکی بعضهم فقالوا صدق والله علی». (قمی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۵۶؛ بحرانی، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۵۷)

۳. معنا و مصادیق «اهل بیت»

یکی دیگر از مباحث مهم آیه تطهیر این است که اهل بیت در این آیه به چه معناست و مصادیق آن چه کسانی هستند؟ آیا به معنای عرفی و لغوی است و مطلق کسانی را که در عرف و لغت عرب به آنان اهل بیت گفته می‌شود، دربر می‌گیرد - که در نتیجه همسران پیامبر و همه خویشاوندان آن حضرت مصادیق آن هستند - یا در این آیه به معنای اصطلاحی ویژه است و مصادیق آن، افراد خاصی از اهل بیت پیامبر هستند، نه همسران و مطلق خویشان آن حضرت؟ به تعبیر دیگر، مراد از «بیت» خانه سکونت پیامبر ﷺ است تا همسران آن حضرت از مصادیق آن باشند یا منظور بیت نبوت است و مصادیق آن خصوص افرادی است که از جهت علمی و عملی شایسته بیت نبوت باشند و آنان را باید از طریق معرفی پیامبر اکرم ﷺ شناخت؟ در اینکه مقصود اهل بیت پیامبر است، اختلافی نیست؛ ولی در تعیین مصداق «بیت» اختلاف است.

دانشمندان شیعه به استناد روایات فراوانی که در کتاب‌های اهل سنت و شیعه نقل شده است، اتفاق نظر دارند که مقصود از اهل بیت در این آیه پیامبر اکرم ﷺ، فاطمه زهرا و دختر آن حضرت، امیرمؤمنان علی عقیله، امام حسن و امام حسین و نه امام از نسل امام حسین هستند و بس.^۱

۱. از این چهارده نفر، پنج نفر که در زمان نزول آیه بوده‌اند از مصادیق اهل بیت در زمان نزول و نه نفر دیگر که در زمان نزول نبوده و بعد به دنیا آمده‌اند، از مصادیق آینده آن می‌باشند. از دانشمندان شیعه، برخی مانند سیداسماعیل نوری طبرسی به مراد بودن خصوص این چهارده نفر تصریح کرده‌اند. (بنگرید به: نوری طبرسی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۷۴ - ۱۷۳) برخی مانند امین‌الاسلام طبرسی، محمدحسن مظفر، محمدباقر مجلسی، سیدعبدالله شبر و سیدمحسن حکیم در مقام نفی دیدگاه اهل تسنن که «اهل‌البیت» را به همسران و مطلق خویشان پیامبر تعمیم داده‌اند، به پیروی از روایات مبین مصادیق آن در زمان نزول به ذکر پنج نفر (پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین) اکتفا کرده‌اند. (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۱۵: ۴ - ۳ / ۵۵۹؛ مظفر، ۱۳۹۶: ۲ / ۷۲، ۷۴؛ مجلسی، ۱۳۹۰: ۶۴؛ همو، ۱۴۰۳: ۳۵ / ۲۲۵؛ شبر، بی تا: ۱ / ۴۸؛ ابطحی، ۱۴۰۵: ۱ / ۵) شمول آیه نسبت به آن نه امام معصوم از نسل امام حسین است که از مصادیق آینده اهل بیت هستند و در روایات شیعه و برخی کتاب‌های اهل سنت بیان شده‌اند، منظور این دسته از علمای شیعه نیز هست و نام نبردن آنها شاید برای این بوده است که در مقام نفی دیدگاه اهل تسنن ترجیح داده‌اند به ذکر آن پنج نفری که در روایات متواتر و مورد قبول اهل تسنن بیان شده است، اکتفا کنند.

ولی بیشتر دانشمندان اهل سنت به استناد سیاق و معنای عرفی اهل بیت، همسران پیامبر را نیز از مصادیق آن بشمار آورده‌اند. (جرجانی، ۱۴۱۲: ۸ / ۳۵۵؛ میدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۴۵؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۲۲ / ۱۴ و ۱۹؛ قرطبی بی تا: ۱۴ / ۱۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۹۶)

با فرض استقلال نزول آیه، استناد به سیاق وجهی ندارد؛ زیرا شرط تحقق سیاق معتبر و قابل استناد، پیوستگی در نزول است و با وجود استقلال نزول، پیوستگی در آن منتفی است. همچنین اراده خدا در این آیه تکوینی است و بر این اساس، مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند مراد از «اهل بیت» خصوص افرادی باشند که از هر پلیدی دور و به پاکی مطلق آراسته و در یک کلمه معصوم باشند. از آنجا که معصوم نبودن همسران پیامبر و بسیاری از خویشان آن حضرت قطعی و مورد اتفاق است، معلوم می شود اهل بیت در این آیه به معنای عرفی نیست و از بیت در این عنوان، بیت سکونت یا بیت قرابت اراده نشده است. مؤید این بیان روایات فراوانی است که به قرینه مقام یا با صراحت، شمول آیه را از غیر افراد یادشده نفی می کنند یا خبر می دهند که پیامبر ﷺ در پاسخ برخی از همسران خود که هنگام معرفی اهل بیت حاضر بوده و پرسیده‌اند آیا من نیز از اهل بیت شما هستم، جواب مثبت نداده و اهل بیت بودن آنان را نفی کرده است:

- طبری با سند خویش از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود:

نزلت هذه الآية في خمسة: في وفي علي (رضي الله عنه) وحسن (رضي الله عنه) وحسين (رضي الله عنه) وفاطمة (رضي الله عنها) «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (طبری، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۹۶، ح ۲۸۴۸۷)

از این گونه روایات - که فراوان است - به قرینه اینکه پیامبر خدا ﷺ در مقام بیان افرادی که آیه درباره آنان نازل شده، تنها پنج نفر را نام برده است، استفاده می شود که نزول این آیه به همین پنج نفر از افراد زمان رسول خدا ﷺ اختصاص داشته است.

- جوینی ضمن حدیثی درباره گفتگوی امیرمؤمنان علی ﷺ با اصحاب در مسجد رسول خدا در زمان حکومت عثمان نقل کرده است:

سپس علی ﷺ فرمود: ای مردم آیا می دانید که خدا در کتابش «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ

لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» را نازل فرمود [پیامبر]، من و فاطمه و دو پسر حسن و حسین را جمع کرد و پوششی را بر ما افکند و گفت: خدایا اینها اهل بیت من هستند و ... پس [از آن] ام سلمه گفت: و من [نیز از اهل بیت شمایم] ای رسول خدا؟ فرمود: تو به سوی خوبی هستی (یعنی سرانجام کار تو خیر و خوبی است) [ولی آیه] فقط درباره من و برادرم [و دخترم] و دو پسر و نه نفر از فرزندان پسر حسن به خصوص نازل شده و هیچ کس با ما در این آیه شرکت ندارد. (جوینی، ۱۳۹۸: ۱ / ۳۱۸ - ۳۱۲)^۱

این روایت باصراحت، نزول آیه را به چهارده نفر اختصاص داده و شمول آیه را از غیر آنان - حتی از ام سلمه همسر پیامبر - نفی کرده است. از اینکه این روایت، نه نفر از افرادی را که در زمان رسول خدا ﷺ نبوده‌اند نیز مشمول آیه می‌داند، معلوم می‌شود در روایاتی که نزول آیه درباره پنج نفر دانسته شده، نظر به افراد موجود در زمان رسول خدا ﷺ بوده است. به تعبیر فنی، آن روایات «ظهور» دارند که این آیه درباره پنج نفر نازل شده، شامل غیر آنان نمی‌شود و این روایت «صریح» در این است که شامل نه نفر دیگر می‌شود. به اقتضای ظهور روایات پیشین و نص این روایت، شمول آیه بر غیر این چهارده نفر نفی می‌شود. در روایات معرفی اهل بیت از جانب پیامبر پرسش و پاسخ‌های زیر دیده می‌شود:

- از ام سلمه نقل شده است که:

و أنا معهم یا نبی الله؟ قال أنت علی مکانک و أنت إلی خیر. (ترمذی، بی تا: ۵ / ۶۲۲)
ای پیامبر خدا و من [هم] با آنها هستم؟ [حضرت] فرمود: تو بر جای خودت باش و تو به سوی خوبی هستی.^۲

۱. ... ثم قال علي ﷺ: أيها الناس أتعلمون أن الله أنزل في كتابه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» فجمعني وفاطمة وابني الحسن والحسين ثم ألقى علينا كساءً وقال «هؤلاء أهل بيتي و...» فقالت أم سلمة وأنا يا رسول الله؟ فقال: «أنت إلی خیر، إنما نزلت في وفي أخي [وفي ابنتي] وفي ابني وفي تسعة من ولد ابني الحسين خاصة ليس معنا فيها لاحد شرك». فقالوا كلهم نشهد أن أم سلمة حدثتنا بذلك فسألنا رسول الله ﷺ فحدثنا كما حدثتنا أم سلمة این روایت با اندکی تفاوت لفظی در کتاب الغیبة نعمانی (۳۵ - ۳۲) و کمال‌الدین صدوق (۱ / ۲۷۹ - ۲۷۴) نیز آمده است.
۲. برای روایات مشابه بنگرید به: ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۳ / ۴۹۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۱۴۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۷۶.

- ابن کثیر از عایشه نقل کرده است:

... فدنوت منهم وقلت یا رسول الله وأنا من أهل بیتک؟ فقال ﷺ تحي فانك
علی خیر. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۳ / ۴۹۴)
به آنان نزدیک شدم و گفتم ای رسول خدا و من [نیز] از اهل بیت تو هستم؟
فرمود کنار برو، به راستی تو بر [موقعیت] خوبی هستی.

- از زینب همسر دیگر پیامبر نیز نقل شده است:

یا رسول الله ألا أدخل معکم؟ قال مکانک، فأنک علی خیر ان شاء الله.
(حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۵۳، ح ۶۷۳)
ای رسول خدا! آیا با شما [در زیر کسا] وارد نشوم؟ فرمود به جایت باش، به
راستی که تو بر خوبی هستی اگر خدا بخواهد.

بنابراین به معنای عرفی نبودن «اهل بیت» و عدم شمول آن بر همسران و مطلق خویشان
رسول خدا ﷺ هم مقتضای استقلال نزول آیه است و هم مدلول روایات فراوانی که شیعه و
سنی نقل کرده‌اند.

نتیجه

در محور نخست مقاله معلوم شد که شرط قرینه بودن سیاق در هر کلامی، پیوستگی در
صدور جمله‌ها از گوینده و در آیات قرآن نیز پیوستگی در نزول آیات است. و در محور دوم
مقاله روشن شد که آیه تطهیر، نزول مستقل داشته است. از این دو مقدمه نتیجه می‌گیریم
که برای فهم معنای آیه تطهیر باید آیه به تنهایی ملاحظه شود و به سیاق آن توجه نشود؛ و
آیه به تنهایی و جدا از آیات قبل و بعد ظهور دارد در اینکه متعلق «یرید» «لیذهب عنکم
الرجس» و «یطهرکم» است و فعل «یذهب» و «یطهر» یا به واسطه «أن» مقدر و یا به واسطه
خود «لام» به اذهاب و تطهیر تأویل می‌روند و مفعول «یرید» می‌باشند، با توجه به اینکه
متعلق اراده، فعل خود خدای متعال است، تکوینی بودن اراده قطعی است و تشریحی بودن آن
تصور ندارد و در نتیجه دلالت آیه بر عصمت اهل بیت روشن است. همچنین با توجه به استقلال

نزول آیه، استناد به سیاق برای شمول «اهل بیت» بر همسران پیامبر نیز بدون وجه است. با توجه به دلالت آیه بر عصمت، «اهل بیت» در این آیه به معنای عرفی و اهل بیت سکونت یا قرابت نیست تا همسران و مطلق خویشان پیامبر را دربرگیرد؛ بلکه به معنای اهل بیت نبوت است و مصادیق آن افرادی است که از هر پلیدی به دور و به پاکی مطلق آراسته و شایسته بیت نبوت باشند و آن افراد طبق روایات فراوانی که از پیامبر ﷺ نقل شده، خود پیامبر و سیزده نفر از خویشان معصوم و مطهر ایشان است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود، ۱۴۰۵ ق، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابطحی، علی موحد، ۱۴۰۵ ق، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۲ ج، بی جا، ابطحی.
۴. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۲۴ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر.
۵. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، ۱۴۰۹ ق، المصنف، بیروت، دارالفکر.
۶. ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۵ ق، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۰۷ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، المکتب الإسلامی.
۸. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، ۱۳۸۵ ق، الصواعق المحرقة، قاهرة، مکتبة القاهرة.
۹. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۷ ق، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دارالفکر.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۱۵ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة.
۱۱. ابن مغزلی، علی بن محمد، ۱۴۰۳ ق، مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب عليه السلام، تهران، المکتبة الاسلامیة.
۱۲. اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، نهاية الدراية فی شرح الکفاية، قم، سيدالشهداء عليه السلام.
۱۳. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹ ق، فرائد الأصول، قم، مجمع الفکر الإسلامی.

۱۴. بابایی و دیگران، علی اکبر، ۱۳۷۹، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۹ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بیروت، الأعلمی.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، بی تا، *سنن الترمذی*، بی جا، دارالفکر.
۱۷. جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *شرح المواقف*، قم، الشریف الرضی.
۱۸. جوینی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۸ ق، *فرائد السمطین*، بیروت، المحمودی.
۱۹. حائری، عبدالکریم، بی تا، *درر الفوائد*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۰. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل*، طهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، بی تا، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۲. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ ق، *کفایة الأصول*، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
۲۳. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۶۹، *أجود التقریرات*، قم، مطبوعات دینی.
۲۴. _____، ۱۴۰۹ ق، *معجم رجال الحدیث*، قم، مدینه العلم.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ ق ب، *سیر أعلام النبلاء*، بیروت، الرسالة.
۲۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، بی تا الف، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۷. رازی، محمد تقی، بی تا ب، *هدایة المسترشدين*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، ۱۴۲۱ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳۰. شبر، سید عبدالله، بی تا، *حقّ الیقین*، تهران، کانون انتشارات عابدی.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، بی تا، *حقائق التأویل*، بیروت، دارالمهاجر.
۳۲. صدوق (ابن بابویه قمی)، محمد بن علی، ۱۳۸۵ ق، *علل الشرائع*، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة.
۳۳. _____، ۱۴۱۷ ق، *الأمالی*، قم، مؤسسه البعثة.

۳۴. _____، بی تا الف، *عیون أخبار الرضا*، تهران، انتشارات جهان.
۳۵. _____، بی تا ب، *کمال‌الدین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات جماعة المدرسين.
۳۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۰۶ ق، *المعجم الصغیر*، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافه.
۳۸. _____، ۱۴۲۰ ق، *المعجم الأوسط*، بیروت، دارالفکر.
۳۹. _____، بی تا، *المعجم الكبير*، بی جا، بی نا.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق، *مجمع البیان*، بیروت، الأعلمی.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر الطبری (جامع البیان)*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۲. طحاوی، احمد بن محمد، ۱۴۱۵ ق، *مشکل الآثار*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بی جا، مکتب الأعلام الاسلامی.
۴۴. عراقی، ضیاء‌الدین، ۱۴۰۵ ق، *نهاية الأفكار*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۵. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. قرطبی، محمد بن أحمد، بی تا، *الجامع لأحكام القرآن*، بی جا، دارالفکر.
۴۷. قمی، ابوالقاسم، بی تا، *قوانین الأصول*، بی جا، بی نا.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۱۱ ق، *تفسیر القمی*، بیروت، دارالسرور.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۰ ق، *حقّ‌الیقین*، تهران، اسلامیه.
۵۰. _____، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، الوفاء.
۵۱. مظفر، محمدحسن، ۱۳۹۶ ق، *دلائل الصدوق*، قاهره، دارالمعلم.
۵۲. میبدی، ابوالفضل، ۱۳۷۱، *كشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران، امیر کبیر.
۵۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۱۸ ق، *کتاب الغیبه*، تهران، دارالخلافة.
۵۴. نوری طبرسی، اسماعیل، ۱۳۶۳، *کفایة الموحدين*، تهران، اسلامیه.
۵۵. هیثمی، علی بن ابی بکر، بی تا، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، بی تا، *أسباب النزول*، قاهره، المتنبی.
۵۷. واعظ حسینی، محمد سرور، ۱۴۱۷ ق، *مصباح الأصول (تقرير بحث الخویی)*، قم، مکتبه الداوری.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی